

## کارکرد ازدواج: یک پژوهش کیفی

طاهره گلستانی بخت<sup>۱</sup>

### چکیده:

**مقدمه:** این پژوهش یک بررسی مقایسه‌ای دیدگاه افراد مجرد و متأهل درباره کارکرد ازدواج بود. **روش:** روش پژوهش، کیفی از نوع تحلیل محتوا بود. نمونه شامل ۲۳۸ مرد و زن مجرد و متأهل شهر تهران بود که به شیوه هدفمند و در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه بدون ساختار استفاده شد. پاسخ آزمودنی‌ها به روش تحلیل محتوا و با استفاده از آزمون ناپارامتریک خی دو بررسی شد.

**یافته‌ها:** پاسخ‌ها در ۶ مقوله کارکردهای جسمانی، روان‌شناختی، اجتماعی، اقتصادی، مذهبی و معنوی دسته‌بندی شد و مقایسه گروه‌های مجرد و متأهل زن و مرد تفاوت‌های معناداری را در این مقوله‌ها نشان داد. بین نظرات افراد مجرد و متأهل درباره کارکرد فیزیولوژیکی ازدواج همخوانی وجود داشت. در خصوص کارکرد روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی عدم توافق نظرات دیده شد. همچنین متأهلین بیش از مجردها به مقوله مذهبی و معنوی پرداخته بودند.

**نتیجه‌گیری:** افراد برای ازدواج کارکردها و فواید متعددی قائل هستند که بیانگر جایگاه و ارزش ازدواج در افراد بوده و تمایل به ازدواج با هدف دستیابی به این کارکردها همچنان ادامه دارد.

**واژگان کلیدی:** کارکرد ازدواج، خانواده، پژوهش کیفی.

---

<sup>۱</sup> استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه پیام نور، tahereh.golestani@yahoo.com

## Marriage Function: A Qualitative Research

Golestani Bakht, T.

### Abstract:

**Introduction:** This study was a comparative study of single and married people's attitudes toward marriage function.

**Method:** The method of this study was qualitative research through content analysis. The sample contained 238 married and single people that were selected by convenience and purposive sampling methods from Teheran. Data collected through an open question. Subjects' responses analyzed by content analysis nonparametric chi-square test.

**Results:** The subjects' responses were categorized to 6 components of physical, psychological, social, economic, religious and spiritual functions. Comparing single and married men and women groups demonstrated significant differences in these categories. Single and married people's opinions on marriage physiological function were consistent. Regarding psychological, social, and economic functions, opinions were not consistent. Single people mentioned these categories more than married people and married people mentioned religious and spiritual categories more than single people.

**Conclusion:** People consider some functions and benefits for marriage and still have tendency toward it.

**Keywords:** Marriage Function, Family, Qualitative Analysis.

### مقدمه

ازدواج، در مقاطع مختلف تاریخی و در بین نسل‌های مختلف دارای معانی، ارزش و کارکردهای مختلف و گاه متضادی بوده است. تجربه مدرنیته، نگرش برابری جنسی، نگرش فرامادی به ازدواج، سوگیری جوانان به ارزش‌های خودپیرو و برابر نگر، خودانتخابی در ازدواج و ...، موجب تغییراتی در مفهوم ازدواج و ساختار خانواده شده است.

تعاریف متنوع و متفاوتی از ازدواج شده است؛ از جمله آنکه ازدواج یک رابطه‌ی مبتنی بر شکیبایی بین یک زن و مرد بالغ به‌عنوان دو فرد منحصر به فرد است (جووا و بهاتی<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). ازدواج فرایندی حاصل از تعامل بین زن و مرد است که تحت شرایط و مراسم قانونی، شرعی و عرفی برگزار می‌شود و عمل آن مورد پذیرش شرع، قوانین و تشکیلات اجتماعی است (نوابی نژاد، ۱۳۸۰). هر ازدواجی دارای اهداف و کارکردهای خاص خود است، ازدواج‌های سیاسی، ازدواج‌های مصلحتی، ازدواج به دلایل اقتصادی و مالی، عشق به‌عنوان دلیل ازدواج، ازدواج‌های اجباری به دلیل فشارهای اجتماعی و خانوادگی و ... ولی در این میان، برخی از اهداف کم‌ارج و کم‌اهمیت و

<sup>1</sup> Juvva, S. & Bhatti, R.

در نتیجه، ناپایداری و نمی‌توانند برای همیشه و یا حتی مدتی طولانی خوشبختی زوجین را تضمین کنند. برخی نیز ارزشمند، مهم و در نتیجه پایدارند.

در جامعه ایران، شاید بتوان گفت در یک دهه اخیر زنان بیش از سایر گروه‌ها، منشأ تغییر ارزش‌های خانواده و ازدواج بوده‌اند. اشتغال زنان که به‌نوعی کسب سرمایه اجتماعی و فرهنگی در میدان زندگی برای آنان محسوب می‌شود، باعث دگرگونی نقش‌های ثابت سنتی زن خانه‌دار و مرد نان‌آور شده و زنان هویت جدیدی کسب کرده‌اند که این هویت جدید نه تنها سلسله‌مراتب قدرت در خانواده را برهم زده، بلکه باعث شکل‌گیری ارزش‌های متفاوت و جدیدی هم شده است. در یک دهه اخیر، گرایش زنان به آموزش در سطوح عالی و به تبع آن تصاحب فرصت‌های شغلی، باعث تغییر ارزشی و نگرشی آنان نسبت به مقولاتی چون ازدواج شده است. سن ازدواج زنان در ایران در اثر اشتغال و تحصیل تاندازه‌ای بالا رفته و این بالا رفتن سن ازدواج زنان همراه با برخی عوامل دیگر از جمله برهم خوردن تعادل جنسیتی، منجر به مسئله مضیقۀ ازدواج شده است. پیامد دیگر بالا رفتن ازدواج زنان، فرصت محدود برای فرزندآوری است. در همین راستا، ارزش‌های خانوادگی دیگری از قبیل پیوندهای خانوادگی و روابط خویشاوندی در اثر اشتغال و تحصیل زنان به‌عنوان مکانیسم‌های کسب سرمایه اجتماعی و فرهنگی‌های دانشگاه و اشتغال و تولید و خدمات دگرگون شده‌اند (سرابی و اجاقلو، ۱۳۹۲).

دهه‌ها تحقیق نشان داده که ازدواج دارای فواید بهزیستی مشخصی در حیطه جسمانی، روان‌شناختی و اقتصادی برای متأهلین در مقایسه با افراد مجرد، مطلقه یا افراد هم‌خانه<sup>۱</sup> (دارای ازدواج سفید، هم‌خانگی یا هم‌باشی)<sup>۲</sup> است. زنان متأهل با احتمال کمتری قربانی خشونت‌های خانگی می‌شوند، اقدام به خودکشی، سوءمصرف مواد یا الکل و یا در زیر خط فقر بودن در آن‌ها کمتر احتمال دارد. مردان متأهل طول عمر بیشتری دارند، درآمد بالاتر و رضایت زناشویی بیشتری را نیز گزارش می‌کنند. ضمن اینکه احتمال ارتکاب جرم آن‌ها کمتر است (دوشارمه و کالر<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). افرادی که ازدواج شاد و موفق دارند کمتر دچار مشکلات جسمانی یا روان‌شناختی در مقایسه با افراد مجرد می‌شوند. ضمناً میزان مرگ‌ومیر در افراد بیوه، مجرد و مطلقه بیش از افراد متأهل است. افراد با تجربه ازدواج شاد، در مقایسه با افراد با ازدواج ناموفق، کمتر بیکار می‌شوند (دیئر<sup>۴</sup> و سلیگمن<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). دوهرتی<sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۱۱) اهمیت ازدواج و مزدوج ماندن را روی گروه‌های متعدد و بسیار متفاوت بررسی و در مقایسه آن‌ها با افرادی که ازدواج سپید داشتند (همباشی)، به نتایجی در قالب ۳۰ استنتاج کلی دست یافتند. از جمله کارکرد ازدواج در سلامت جسمانی و طول عمر، سلامت

<sup>1</sup> Cohabitation

<sup>2</sup> Cohabitation

<sup>3</sup> Ducharme & Kollar

<sup>4</sup> Diener

<sup>5</sup> Seligman

<sup>6</sup> Doherty et al

روانی و بهزیستی هیجانی، کاهش جراثیم و خشونت خانگی، کارکرد اقتصادی، خانواده سالم و باثبات و فرزندان سالم با نرخ کمتر میزان بزهکاری، طلاق و خودکشی در فرزندان عنوان کردند.

اگوست، کلی و مارکی<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) عنوان کردند که روابط رومانیتیک به‌ویژه در ازدواج اثر تعیین‌کننده‌ای بر سلامتی دارد، تحقیقات با تمرکز بر مؤلفه‌های فیزیولوژیکی، روان‌شناختی و اجتماعی انجام شده بود. نتایج مطالعه طولی در سطح ملی در آمریکا نشان داد که در افراد مجرد، احتمال مرگ و میر ناشی از مشکلات سلامتی مانند، ناراحتی قلبی و سرطان در مقایسه با افراد متأهل بالاتر است (جانسون، بلک لاند، سورلی، لاولس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰).

هنرپروران، تبریزی، نوابی نژاد و شفیع‌آبادی (۱۳۸۹) نشان دادند احساس رضایت از ازدواج و روابط جنسی نقش مهمی در سلامت جسمانی زوجین و نیز میزان کارکردهای بهنجار خانواده ایفا می‌کند. بر اساس پژوهش منین و کلرک<sup>۳</sup> (۲۰۱۱) مردان بیش از زنان از مزایای ازدواج سود می‌برند و رضایت زناشویی بالاتری را نیز گزارش می‌کنند. رید و مک بروم<sup>۴</sup> (۱۹۹۵) نیز نشان دادند که متأهلین بیش از مجردها برای تاهل مزایا و کارکردهای مفید قائل هستند.

باین حال وضعیت تاهل به تنهایی معادل سلامتی، ثروت و شادمانی محسوب نمی‌شود، وقتی ازدواج ناشاد یا ناسالم وجود دارد. وضعیت زوج‌هایی که ازدواج ناشاد دارند، بدترین ملاک برای مقایسه با افراد مجرد است. ازدواج‌های ناشاد، پیامدهای منفی در سلامت جسمی و روانی دارند. به گفته فاورز<sup>۵</sup> (۲۰۰۰) افسانه زناشویی شاد که مبتنی بر ارتباط خوب، لذت عاطفی و صمیمیت ناشی از ازدواج و رابطه سالم است را شکنده‌تر از همیشه است که باید آن را رها کرد، اما به این معنی نیست که باید عشق، رضایت، صمیمیت، حمایت عاطفی، ارتباط خوب و رابطه زناشویی خوب در ازدواج را فراموش کرد. به نظر فاورز باید ازدواج را فرصتی فوق‌العاده برای دستیابی و تمرین فضایی مانند دوستی، وفاداری، سخاوت و عدالت در پیگیری مشترک عمیق‌ترین آرمان‌هایمان به شیوه‌ای رؤیایی بازسازی کرد.

بررسی حبیب‌پور گتایی و غفاری (۱۳۹۰) و مهاجرانی (۱۳۸۹) حاکی از تغییر الگوی سنی و افزایش سن ازدواج در ایران است، قیمر و اکسین<sup>۶</sup> همین نتایج را در نپال (۲۰۱۳) گزارش کردند. سرابی و اوجاقو (۱۳۹۲) تجربه جهانی شدن روابط اجتماعی را باعث تغییر ارزش ازدواج و کم شدن آن می‌دانند. دلخوش (۱۳۹۲) سوگیری جوانان به ارزش‌های خودپیرو و برابر نگر در ازدواج را نشان می‌دهد. بررسی نیلفروشان، نویدی و عابدی (۱۳۹۲) حاکی از تغییر نگرش افراد نسبت به ازدواج و نگرش مثبت‌تر پسران به ازدواج در مقایسه با دختران است.

<sup>1</sup> August. & Kelly, Markey

<sup>2</sup> Johanson, Backlund, Sorlie & Loveless.

<sup>3</sup> Monin & Clark

<sup>4</sup> Reed & McBroom

<sup>5</sup> Fowers

<sup>6</sup> Ghimire & Axinn

در مجموع انتظارات نامعقول، رؤیای‌پردازی‌های آرمانی و غیرواقعی که افراد از ازدواج دارند؛ موجب مشکلاتی در زندگی زناشویی افراد شده که دامنه‌ای از ناراضی‌های زناشویی، طلاق عاطفی و نهایتاً طلاق را دربر می‌گیرد. جامعه‌شناسان معتقدند، افزایش طلاق پدیده فرعی و عرضی نیست که در آینده کاهش یابد؛ بلکه نتیجه مفهوم جدید ازدواج است (ساروخانی، ۱۳۷۶؛ به نقل از سیار، راهب، اقلیما، ۱۳۹۱).

لذا بررسی معنا و مفهوم جدید ازدواج و نیز کارکرد و مزایای آنکه موجب بخشی از تغییرات وسیع الگوی ازدواج شده؛ ضروری است. ضمن اینکه متأسفانه مطالعات اندکی به شیوه کیفی برای بررسی دلایل و فواید ازدواج انجام شده است. لذا با توجه به تغییر نگرش افراد درباره کارکرد ازدواج این پژوهش با هدف بررسی دیدگاه افراد مجرد و متأهل درباره کارکرد و مزایای ازدواج انجام شد تا با پرهیز از شعارگرایی، کلیشه‌سازی و تقدس‌گرایی نهاد خانواده و ازدواج، با رویکردی علمی و بدون سوگیری نظر افراد درباره کارکردهای کنونی آن بررسی گردد.

## روش

روش پژوهش، روش کیفی به شیوه تحلیل محتوا بود. جامعه آماری کلیه زنان و مردان متأهل (دارای فرزند در آستانه ازدواج با سنین ۴۵ به بالا) و مجرد (۱۸ تا ۴۰ ساله) شهر تهران بود. حجم نمونه به تعداد ۲۳۸ نفر که شامل ۵۵ مرد مجرد، ۵۷ مرد متأهل، ۶۶ زن مجرد و ۶۰ زن متأهل بود که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس (دانشجویان، اساتید، اعضای شورای شهر، معلمان، زنان خانه‌دار، روحانیون، پزشک‌یار، مشاغل آزاد، کارمندان بازنشسته، ...) انتخاب شدند. مصاحبه چهره به چهره و ساختار نایافته و با این سؤال اساسی انجام شد که: به نظر شما کارکرد ازدواج چیست؟ هر مصاحبه ۲۰ تا ۴۵ دقیقه به طول انجامید و نظرات ضبط و ثبت شد و تحلیل محتوای نظرات توسط محقق و دو روان‌شناس، انجام شد.

## یافته‌ها

پاسخ آزمودنی‌ها درباره کارکرد ازدواج در ۶ مقوله تحلیل شد (جدول ۱) تعداد اندکی نیز کارکردی برای ازدواج قائل نبودند که به خاطر تعداد کم در تحلیل داده‌ها وارد نشده است.

جدول ۱- مقوله‌بندی کارکرد ازدواج

کارکرد ازدواج	مرد		زن	
	متاهل	مجرد	متاهل	مجرد
جسمانی (فیزیولوژیک)	۴۸	۴۳	۳۴	۴۵
روان‌شناختی	۵۵	۶۵	۵۷	۶۰
اجتماعی	۳۳	۶۱	۲۱	۳۴
اقتصادی	۱۷	۳۷	۱۴	۶
معنوی	۲	۴	۳۲	۵۹
مذهبی	۱۲	۲۰	۳۸	۳۰
کارکردی ندارد ۳۴				

در توضیح این کارکردها موارد زیر لحاظ شده است:

- کارکرد فیزیولوژیکی یا جسمانی مانند ارضای نیازهای جنسی، سلامت جسمانی، کاهش سرطان پروستات، شادابی پوست و یا داشتن همسری با جذابیت جسمانی یا جنسی.
- روان‌شناختی مانند دوست داشتن و دوست داشته شدن، رفع تنهایی، رسیدن به خوشبختی، کسب آرامش، کسب استقلال، کسب اعتمادبه‌نفس و عزت‌نفس، ایجاد تنوع و هیجان در زندگی، یافتن شادی و نشاط، داشتن همراه و مونس در زندگی.
- اجتماعی مانند کسب امنیت اجتماعی، حمایت و پذیرش اجتماعی، کاهش فشار اجتماعی و دید بد جامعه به فرد مجرد، فرار از خانواده برای کاهش یا حذف تنش خانوادگی، فامیل یا دوستان، تشکیل خانواده مستقل خود، داشتن همسر و فرزند مثل بقیه مردم.
- اقتصادی مانند کسب درآمد بیشتر، ثروت‌اندوزی، مدیریت مالی بهتر، پولدار شدن از طریق ازدواج با فرد ثروتمند، فرار از فقر خانواده، ازدواج با مردی که اجازه اشتغال در بیرون از خانواده را بدهد و رسیدن به استقلال مالی.
- مذهبی مانند عمل به سنت پیامبر، فرزند آوری و افزایش امت حضرت محمد (ص)، کامل شدن ایمان، دوری از گناه، پاک‌دامنی و عفت.
- معنوی مانند کسب فضایل اخلاقی و کاهش خودخواهی، ایثار، فداکاری، گذشت، رشد و تکامل شخصیتی و معنوی.

سپس با استفاده از آزمون ناپارامتریک کای اسکوئر میزان توافق بین نظرات بررسی شد. نتایج داده‌ها در کارکدهای بالا به شرح ذیل آمده است:

**مقوله جسمانی و فیزیولوژیکی:** بین نظرات افراد متأهل و مجرد درباره کارکرد مقوله جسمانی و فیزیولوژیکی تفاوت معنادار وجود دارد.

**جدول ۲- ترکیب پاسخ افراد به مقوله جسمانی و فیزیولوژیکی**

		مقوله جسمانی و فیزیولوژیکی را به‌عنوان فایده ازدواج		
		کل	می‌دانم	نمی‌دانم
وضعیت تأهل	مجرد	۱۲۱	۹۱	۳۰
	متأهل	۱۱۷	۷۹	۳۸
کل		۲۳۸	۱۷۰	۶۸

با درجه آزادی ۱ و مقدار آماره خی دو  $۱/۷۲۱$  و مقدار احتمال  $۰/۱۹۰$  که بزرگ‌تر از  $۰/۰۵$  است و با سطح اطمینان  $۹۵\%$  فرض صفر تأیید شد؛ یعنی بین نظرات افراد متأهل و مجرد درباره کارکرد این مقوله تفاوت وجود ندارد. همچنین در ادامه نتایج نشان داد که ترکیب پاسخ زنان مجرد ( $۶۶$ ) و متأهل ( $۶۰$ ) به مقوله جسمانی و فیزیولوژیکی، با مقدار آماره خی دو  $۱/۴۴۷$  فرض صفر تأیید شد، یعنی بین نظرات زنان متأهل و زنان مجرد درباره کارکرد این مقوله تفاوت وجود ندارد. ترکیب پاسخ مردان مجرد ( $۵۵$ ) و متأهل ( $۵۷$ ) به مقوله جسمانی و فیزیولوژیکی با مقدار آماره خی دو  $۱۰/۸۹$  فرض صفر رد شد، یعنی مردان مجرد، بیش از مردان متأهل این کارکرد ازدواج گزارش کرده‌اند. ترکیب پاسخ مردان ( $۵۷$ ) و زنان متأهل ( $۶۰$ ) به مقوله جسمانی و فیزیولوژیکی با مقدار آماره خی دو  $۳/۱۴$  فرض صفر تأیید شد، یعنی بین نظرات مردان و زنان متأهل تفاوت وجود ندارد. ترکیب پاسخ مردان مجرد ( $۵۵$ ) و زنان مجرد ( $۵۶$ ) به مقوله جسمانی و فیزیولوژیکی با مقدار آماره خی دو  $۷/۸۷$  فرض صفر رد شد، یعنی مردان مجرد بیش از زنان مجرد این مقوله را ذکر کردند.

**مقوله روان‌شناختی:** بین نظرات افراد متأهل و مجرد درباره کارکرد مقوله روان‌شناختی تفاوت معنادار وجود دارد.

**جدول ۳- ترکیب پاسخ افراد به مقوله روان‌شناختی**

		مقوله روان‌شناختی را به‌عنوان کارکرد ازدواج		
		کل	می‌دانم	نمی‌دانم
وضعیت تأهل	مجرد	۱۲۱	۱۲۱	۰
	متأهل	۱۱۷	۵۹	۵۸
کل		۲۳۸	۱۸۰	۵۸

با مقدار آماره خی دو  $79/31$  و مقدار احتمال  $0/00$  که کوچک‌تر از  $0/05$  است و سطح اطمینان  $95\%$  فرض صفر رد شد. افراد مجرد بیش از متأهلین این کارکرد را ذکر کردند.

ترکیب پاسخ زنان مجرد ( $66$ ) و زنان متأهل ( $60$ ) به مقوله روان‌شناختی با مقدار آماره خی دو  $1/109$  فرض صفر تأیید شد، یعنی بین نظرات زنان متأهل و مجرد تفاوت وجود ندارد. ترکیب پاسخ مردان مجرد ( $57$ ) و مردان متأهل ( $55$ ) به مقوله روان‌شناختی با مقدار آماره خی دو فرض صفر رد شد، یعنی مجردها، بیش از مردان متأهل این مقوله را ذکر کردند. ترکیب پاسخ مردان ( $57$ ) و زنان متأهل ( $60$ ) به مقوله روان‌شناختی با مقدار آماره خی دو  $113/07$  فرض صفر رد شد، یعنی زنان متأهل، بیش از مردان متأهل، این مقوله را ذکر کردند. ترکیب پاسخ مردان ( $55$ ) و زنان مجرد ( $66$ ) به مقوله روان‌شناختی با مقدار آماره خی دو  $0/140$  فرض صفر تأیید شد، یعنی بین نظرات مردان مجرد و زنان مجرد تفاوت وجود ندارد.

**مقوله اجتماعی:** بین نظرات افراد متأهل و مجرد درباره کارکرد مقوله اجتماعی تفاوت وجود دارد.

جدول ۴- ترکیب پاسخ افراد به مقوله اجتماعی

		مقوله اجتماعی را به‌عنوان فایده ازدواج		
		می‌دانم	نمی‌دانم	
وضعیت تأهل	مجرد	۹۴	۲۷	۱۲۱
	متأهل	۵۵	۶۲	۱۱۷
کل		۱۴۹	۸۹	۲۳۸

با مقدار آماره خی دو  $23/91$  و احتمال  $0/00$  که کوچک‌تر از  $0/05$  است و سطح اطمینان  $95\%$  فرض صفر رد شد. لذا مجردان بیش از متأهلان مقوله اجتماعی را عنوان کردند.

ترکیب پاسخ زنان مجرد ( $66$ ) و زنان متأهل ( $60$ ) به مقوله اجتماعی با مقدار آماره خی دو  $21/66$  فرض صفر رد شد، یعنی زنان مجرد بیش از متأهلان، مقوله اجتماعی را عنوان کردند. ترکیب پاسخ مردان مجرد ( $57$ ) و مردان متأهل ( $55$ ) به مقوله اجتماعی با مقدار آماره خی دو  $6/01$  فرض صفر رد شد، یعنی مردان مجرد، مقوله اجتماعی را بیشتر از مردان متأهل ذکر کردند. ترکیب پاسخ مردان ( $57$ ) و زنان متأهل ( $60$ ) به مقوله اجتماعی با مقدار آماره خی دو  $4/61$  فرض صفر رد شد، یعنی زنان متأهل، این مقوله را بیش از مردان متأهل ذکر کردند. ترکیب پاسخ مردان ( $55$ ) و زنان مجرد ( $66$ ) به مقوله اجتماعی با مقدار آماره خی دو  $18/19$  فرض صفر رد شد، یعنی زنان مجرد بیش از مردان مجرد، مقوله اجتماعی را عنوان کردند.

**مقوله اقتصادی:** بین نظرات افراد متأهل و مجرد درباره کارکرد مقوله اقتصادی تفاوت معنادار وجود دارد.



جدول ۵- ترکیب پاسخ افراد به مقوله اقتصادی

		مقوله اقتصادی را به‌عنوان فایده ازدواج		
		می‌دانم	نمی‌دانم	
وضعیت	مجرد	۵۷	۶۷	۱۲۱
	متاهل	۲۰	۹۷	۱۱۷
کل		۷۴	۱۶۴	۲۳۸

با مقدار آماره‌ی دو ۲۱/۰۴ و احتمال ۰/۰۰ که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و سطح اطمینان ۹۵٪ فرض صفر رد شد لذا مجردان بیش از متاهلان این مقوله را کارکرد ازدواج می‌دانند. ترکیب پاسخ زنان مجرد (۶۶) و زنان متاهل (۶۰) به مقوله اقتصادی با مقدار آماره‌ی دو ۲۹/۶۶ فرض صفر رد شد یعنی زنان مجرد بیش از متاهلان، این مقوله را ذکر کردند. ترکیب پاسخ مردان مجرد (۵۷) و مردان متاهل (۵۵) به مقوله اقتصادی با مقدار آماره‌ی دو ۰/۵۶۳ فرض صفر تأیید شد؛ یعنی بین نظرات مردان متاهل و مردان مجرد تفاوت وجود ندارد. ترکیب پاسخ مردان (۵۷) و زنان متاهل (۶۰) به مقوله اقتصادی با درجه آزادی ۱ و مقدار آماره‌ی دو ۴/۳۷ فرض صفر رد شد یعنی مردان متاهل، مقوله اقتصادی را به‌عنوان کارکرد ازدواج بیش از زنان متاهل قبول دارند. ترکیب پاسخ مردان مجرد (۵۵) و زنان مجرد (۶۶) به مقوله اقتصادی با درجه آزادی ۱ و مقدار آماره‌ی دو ۷/۶۸ فرض صفر رد شد یعنی زنان مجرد بیش از مردان مجرد، این مقوله را کارکرد ازدواج می‌دانند.

**مقوله مذهبی:** بین نظرات افراد متاهل و مجرد درباره کارکرد مقوله مذهبی تفاوت وجود دارد.

جدول ۶- ترکیب پاسخ افراد به مقوله مذهبی

		مقوله مذهبی را به‌عنوان فایده ازدواج		
		می‌دانم	نمی‌دانم	
وضعیت تأهل	مجرد	۳۲	۸۹	۱۲۱
	متاهل	۶۸	۴۹	۱۱۷
کل		۷۰	۱۳۸	۲۳۸

با درجه آزادی ۱ و مقدار آماره‌ی دو ۲۴/۴۹ و مقدار احتمال ۰/۰۰ که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض صفر رد شد یعنی بین نظرات افراد متاهل و مجرد تفاوت وجود دارد. متاهلان بیش از مجردها این مقوله را به‌عنوان کارکرد ازدواج گزارش کرده‌اند. ترکیب پاسخ زنان مجرد (۶۶) و متاهل (۶۰) به مقوله مذهبی با درجه آزادی ۱ و مقدار آماره‌ی دو ۵/۰۹ فرض صفر رد شد یعنی زنان متاهل بیش از مجرد، این مقوله را به‌عنوان کارکرد

ازدواج گزارش کرده‌اند. ترکیب پاسخ مردان مجرد (۵۷) و مردان متأهل (۵۵) به مقوله مذهبی با درجه آزادی ۱ و مقدار آماره خی دو ۲۲۲/۷۸ فرض صفر رد شد. لذا مردان متأهل بیش از مجرد، مقوله مذهبی را به‌عنوان کارکرد ازدواج گزارش کرده‌اند. ترکیب پاسخ مردان متأهل (۵۷) و زنان متأهل (۶۰) به مقوله مذهبی با درجه آزادی ۱ و مقدار آماره خی دو ۳/۳۳ فرض صفر تأیید شد یعنی نظرات مردان متأهل و زنان متأهل در این باره تفاوت ندارند. ترکیب پاسخ مردان مجرد (۵۵) و زنان مجرد (۶۶) به مقوله مذهبی با درجه آزادی ۱ و مقدار آماره خی دو ۱/۱۱ فرض صفر تأیید شد یعنی بین نظرات مردان مجرد و زنان مجرد در این باره تفاوت وجود ندارند.

**مقوله معنوی:** بین نظرات افراد متأهل و مجرد درباره کارکرد مقوله معنوی تفاوت وجود دارد.

جدول ۷- ترکیب پاسخ افراد به مقوله معنوی

		مقوله معنوی را به‌عنوان فایده ازدواج		
		می‌دانم	نمی‌دانم	
وضعیت تأهل	مجرد	۶	۱۱۵	۱۲۱
	متأهل	۹۱	۲۶	۱۱۷
کل		۹۷	۱۴۱	۲۳۸

با درجه آزادی ۱ و مقدار آماره خی دو ۱۳۰/۶۳ و مقدار احتمال ۰/۰۰ که کوچک‌تر از ۰/۰۵ است و در سطح اطمینان ۹۵٪ فرض صفر رد شد. متأهلان بیش از مجردان مقوله معنوی را ذکر کردند. ترکیب پاسخ زنان مجرد (۶۶) و متأهل (۶۰) به مقوله معنوی با درجه آزادی ۱ و مقدار آماره خی دو ۱۰۷/۰۴ فرض صفر رد شد، یعنی زنان متأهل بیش از زنان مجرد، مقوله معنوی را از کارکردهای ازدواج می‌دانستند. ترکیب پاسخ مردان مجرد (۵۷) و مردان متأهل (۵۵) به مقوله معنوی با مقدار آماره خی دو ۷۹/۳۱ فرض صفر رد شد، یعنی مردان متأهل بیش از مردان مجرد، به این مقوله پرداختند. ترکیب پاسخ مردان متأهل (۵۷) و زنان متأهل (۶۰) به مقوله معنوی با مقدار آماره خی دو ۳۰/۱۰۸ فرض صفر رد شد، یعنی زنان متأهل بیش از مردان این مقوله را ذکر کردند. ترکیب پاسخ مردان مجرد (۵۵) و زنان مجرد (۶۶) به مقوله معنوی با مقدار آماره خی دو ۰/۳۷ فرض صفر تأیید شد، یعنی توافق نظرات مردان مجرد و زنان مجرد را نشان داد.

### بحث و نتیجه‌گیری

نظر به تغییر و تحول الگوهای ازدواج و نحوه تشکیل خانواده به دنبال گذار از جامعه سنتی به مدرن موجب تغییراتی در نظرات مردم درباره اهداف، کارکرد و ضرورت تشکیل خانواده این پژوهش با هدف بررسی مقایسه‌ای رویکرد افراد مجرد و متأهل درباره کارکرد ازدواج انجام شد.

میزان توافق نظرات به تفکیک مقوله‌ها در ذیل آمده است:

**۱- کارکرد فیزیولوژیکی و جسمانی ازدواج:** یافته‌ها نشان داد بین نظرات افراد مجرد و متأهل تفاوت وجود ندارد. بدیهی است گزینه جنسی از نیازهای ذاتی و اساسی انسان است و از لحاظ اهمیت در ردیف مسائل درجه اول زندگی زناشویی قرار دارد لذا توافق در نظرات دیده شد. تفاوت معنادار مشاهده شده، بین مردان مجرد با مردان متأهل و نیز با زنان مجرد بود و بین سایر گروه‌ها تفاوت معناداری مشاهده نشد. به نظر می‌رسد در کشور ما به‌عنوان یک کشور سنتی که عمدتاً ازدواج بر اساس توصیه‌ها و آموزه‌های مذهبی، انجام می‌شود همواره یکی از مهم‌ترین کارکردهای ازدواج، جلوگیری از گناه و فساد با ارضای گزینه جنسی در چارچوب خانواده است. به نظر می‌رسد مردان مجرد نیاز، ضرورت یا اولویتی بیش از مردان متأهل و حتی بیش از زنان مجرد در این خصوص احساس می‌کرده‌اند. از سوی دیگر تفاوت‌های معنادار بین مردان و زنان مجرد ممکن است به خاطر تفاوت در میزان تحریک‌پذیری و کنترل گزینه جنسی بین دو جنس باشد. کنترل این گزینه در مردان دشوارتر از زنان است. شاید به دلیل موانع مذهبی و فرهنگی این مورد کمتر از سوی زنان ذکر شده است، میل جنسی در تمام جوامع و مذاهب یک تابو است و در هاله‌ای از ابهام، خرافات و... پیچیده شده و صحبت درباره آن معمولاً با احساسات منفی مانند شرم، ترس، احساس گناه و خجالت همراه است که این موضوع به دلیل حجب و حیای زنانه در زنان بیشتر دیده می‌شود. ضمن اینکه افراد متأهل که وارد زندگی زناشویی شده‌اند و از نظر این گزینه بیش از مردان مجرد ارضا شده هستند لذا تحریکات جنسی ممکن است برانگیختگی و قدرت تحریک‌کنندگی کمتری در مقایسه با مردان مجرد داشته باشد، لذا تفاوت معنادار بین مردان مجرد و متأهل شاید به این دلیل باشد.

از سویی دیگر در گروه زنان چه متأهل و چه مجرد تفاوت معناداری دیده نشد و نظراتشان درباره این کارکرد ضروری، مهم و شاید بدیهی ازدواج باهم همخوانی داشت. هرچند در دهه‌های اخیر الگوی روابط جنسی در جهان تغییرات فراوانی داشته و جامعه ایران نیز با تحولات چشم‌گیری در حوزه ارزش‌ها و باورهای جوانان در این زمینه روبه‌روست.

یافته‌های این پژوهش مبنی بر کارکرد جسمانی ازدواج همسو با یافته‌های اگوست و همکاران (۲۰۱۵)، میلر-مارتینز و همکاران (۲۰۱۴)، دوهرتی و همکاران (۲۰۱۲)، دوشارمه و کالر (۲۰۱۲)، مومین و کلرک (۲۰۱۱)، دینر و سلیگمن (۲۰۰۴)، جانسون و همکاران (۲۰۰۰)، هنرپروران و همکاران (۱۳۸۹) است.

**۲- کارکرد روان‌شناختی ازدواج:** یافته نشان داد که مجردها بیش از متأهلان به مقوله روان‌شناختی به‌عنوان کارکرد ازدواج اشاره داشته‌اند. به نظر می‌رسد اگر بتوان افراد مجرد و کم‌سن‌تر را در مقایسه با افراد متأهل و مسن‌تر در شهر تهران نسلی دانست که کمتر سنتی هستند، می‌توان عنوان کرد که ایشان به ابعاد روان‌شناختی ازدواج مانند عشق و علاقه، رهایی از تنهایی، یافتن

آرامش، دوست داشتن و دوست داشته شدن، ... بیش از افراد متأهل (افراد سنتی‌تر) توجه دارند و محوریت و اولویت ازدواج بیشتر به‌سوی ابعاد روان‌شناختی سوق یافته است.

در مقایسه مردان متأهل و مجرد نیز مردان مجرد میانگین بالاتری داشته‌اند که به نظر میزان تفاوت کل افراد متأهل و مجرد ناشی از تفاوت و ناهمخوانی نظرات مردان مجرد با متأهل است و بین زنان مجرد و متأهل در این خصوص تفاوت معناداری مشاهده نشد. زنان چه مجرد و چه متأهل به دلیل ویژگی‌های روان‌شناختی خود، در خصوص کارکرد روان‌شناختی نظرات موافق و همخوانی با یکدیگر داشتند. به نظر می‌رسد مردان متأهل بیشتر درگیر مسائل اقتصادی و مالی هستند و کمتر به این ابعاد توجه نشان داده‌اند، با کمی تسامح می‌توان با توجه به سن افراد مجرد که در دامنه‌ای بین ۱۸ تا ۴۰ سال بودند، بتوان آن‌ها را کمتر سنتی یا مدرن‌تر از متأهلان که دارای سنین بالای ۴۵ سال بودند، نامید. لذا مردان مجرد (کمتر سنتی) بیش از متأهلان (سنتی‌تر) این کارکرد را حائز اهمیت می‌دانند. عدم تفاوت معنادار بین نظرات زنان و مردان مجرد نیز می‌تواند بیانگر توافق و همگنی نظرات جوانان درباره ارزش، اهمیت و اولویت کارکردهای روان‌شناختی است.

یافته‌های این پژوهش مبنی بر کارکرد روان‌شناختی ازدواج همسو با یافته‌های اگوست، کلی و مارکی (۲۰۱۵)، دوهرتی و همکاران (۲۰۱۲)، دینر و سلیگمن (۲۰۰۴)، آرچیل (۲۰۰۱)، جانسون و همکاران (۲۰۰۰) و فاورز (۲۰۰۰) است.

**۳- کارکرد اجتماعی ازدواج:** مقایسه بین افراد متأهل و مجرد به‌طور کلی و نیز بین مردان مجرد و متأهل و نیز بین زنان مجرد و متأهل، حاکی از این بود که مجردها بیش از متأهلان این کارکرد را گزارش کرده‌اند. به نظر می‌رسد افراد مجرد (جوان‌تر یا کمتر سنتی) با خانواده‌ای نه به گستردگی افراد نسل قبل (سنتی‌تر) این کارکرد را حائز اهمیت دانسته‌اند. مقایسه مردان مجرد با زنان مجرد، مردان متأهل با زنان متأهل تفاوت میانگین‌ها در زنان بالاتر بود که حاکی از این است که زنان رابطه محورند و بیش از مردان به روابط اجتماعی اهمیت می‌دهند. بدیهی است ازدواج یعنی ایجاد روابط اجتماعی و یکی از منابع اصلی حمایت اجتماعی نیز محسوب می‌شود که زنان بیشتر در جستجوی آن هستند. یافته‌های این پژوهش مبنی بر کارکرد روان‌شناختی ازدواج همسو با یافته‌های اگوست، کلی و مارکی (۲۰۱۵)، دوهرتی و همکاران (۲۰۱۲)، جانسون و همکاران (۲۰۰۰)، دینر و سلیگمن (۲۰۰۴)، آرچیل (۲۰۰۱)، بخشوده و بهرامی احسان (۱۳۹۱) و منین و کلرک (۲۰۱۱) است.

**۴- کارکرد اقتصادی ازدواج:** در مقایسه بین افراد متأهل و افراد مجرد به‌طور کلی، تفاوت معناداری وجود داشت. با توجه به بالاتر بودن میانگین نمرات در افراد مجرد، به نظر می‌رسد افراد مجرد بیش از افراد متأهل دغدغه فکری درباره مسائل مالی و اقتصادی را دارند و ازدواج را و تشکیل خانواده را موجب افزایش درآمدزایی و تولید ثروت می‌دانند. تفاوت معنادار بین میانگین زنان متأهل و مجرد با میانگین بالاتر برای زنان متأهل می‌تواند بیانگر این موضوع باشد که همواره یکی از اولین ملاک‌های انتخاب همسر توسط زنان بحث توان اقتصادی و امکانات مالی شوهر است؛ اما

اینکه زنان متأهل میانگینی بالاتر از مجردها داشته‌اند به نظر می‌رسد به خاطر تساوی نسبی نقش‌ها و دستیابی تقریبی زنان و مردان به امکانات مالی و اقتصادی تقریباً مشابه و از یک‌سو دختران به خاطر تحصیلات بالایشان و یا آزادی بیشتر در داشتن شغل، دارا بودن تساوی و پتانسیل اقتصادی تقریباً برابر با مردان در بحث اشتغال، باعث شده کارکرد اقتصادی ازدواج برایشان به‌اندازه زنان متأهل حائز اهمیت کمتری بوده است.

یافته‌های این پژوهش همسو با یافته‌های دوهرتی و همکاران (۲۰۱۲)، دوشارمه و کالر (۲۰۱۲)، جانسون و همکاران (۲۰۰۰) و دینر و سلیگمن (۲۰۰۴) است.

**۵- کارکرد مذهبی ازدواج:** یافته‌ها نشان داد که در مقایسه بین گروه‌ها سه گروه افراد متأهل و مجرد، مردان مجرد و متأهل و زنان مجرد و متأهل؛ گروه متأهلان میانگینی بالاتر داشتند. به نظر می‌رسد متأهلان بیشتر تحت تأثیر آموزه‌های مذهبی و توصیه‌های دینی ازدواج کرده‌اند یا ازدواج بر مبنای توصیه‌های مذهبی را مقبول می‌دانند. از دیدگاه سنتی مهم‌ترین کارکردهای ازدواج بعد مذهبی آن است که انجام سنت پیامبر و گسترش نسل حضرت محمد (ص) است. تفاوت معناداری بین نظرات زنان و مردان مجرد و نیز بین مردان و زنان متأهل وجود نداشت و افراد در خصوص کارکرد مذهبی ازدواج همخوانی و توافق نظر دارند.

**۶- کارکرد معنوی ازدواج:** یافته‌ها نشان داد متأهلان بیش از مجردها مقوله معنویت را کارکردی از ازدواج می‌دانند، به نظر می‌رسد این کارکرد یا بعد از تجربه ازدواج بیشتر نمود پیدا می‌کند یا برای درک این مفاهیم، حدی از تجربه زناشویی، پختگی یا رسیدن به سنین میان‌سالی و سالمندی لازم است.

زنان متأهل بیش از مردان متأهل این مقوله را ذکر کردند به نظر می‌رسد زنان به امور و مباحث معنوی توجه، علاقه، درک و یا حساسیت بیشتری دارند.

بین نظرات زنان و مردان مجرد توافق وجود داشت، با توجه به سن جوانی آن‌ها و قرار گرفتن در مرحله هیجان خواهی و هیجان‌طلبی و اولویت دادن به ارضای سایر نیازهای سطح پایین‌تر این یافته‌ها مشاهده شد. به نظر می‌رسد ابعاد مذهبی و معنوی ازدواج همچنان از ابعاد مهمی است که افراد چه متأهل و چه مجرد، زن و مرد آن را به‌عنوان یکی از کارکردهای ازدواج مطرح کرده‌اند و تأثیر آموزه‌های دینی و معنوی در نظرات افراد منعکس شده است و باوجود آشفتگی‌هایی که در نهاد خانواده دیده می‌شود افراد همچنان راغب به ازدواج هستند. باوجود اینکه مباحث معنوی و مذهبی دارای ارجحیت خاصی در نهاد خانواده و ازدواج دارد اما متأسفانه محقق به پژوهشی علمی درباره کارکرد مذهبی و معنوی دست نیافت.

با توجه به اینکه نظرات افراد درباره کارکرد ازدواج روی پیوستاری از انتظارات غیرواقع‌بینانه و تصورات آرمان‌گرایانه، اهداف کوتاه‌مدت و غیرمنطقی تا اهداف و دلایل عقلایی، بخردانه و درک واقع‌بینانه برای ازدواج قرار داشت، چراکه گسترش انتظارات غیرعقلایی و عدم درک درست از

کارکرد ازدواج زنگ خطری برای فزونی طلاق و نابسامانی خانواده‌ها خواهد بود. لذا پیشنهاد می‌شود این موضوع در پژوهش‌های آتی مورد بررسی دقیق‌تر قرار گیرد.

## منابع

- آزاد ارمکی، تقی؛ شریفی ساعی، محمدحسین؛ ایثاری، مریم؛ طالبی، سحر (۱۳۹۱). هم خانگی، پیدایش شکل‌های جدید خانواده در تهران. نشریه جامعه پژوهی فرهنگی. دوره ۳، شماره ۱؛ صص ۴۳-۷۷.
- بخشوده، اسماء، بهرامی احسان، هادی. (۱۳۹۱). نقش انتظارات زناشویی و مبادلات سالم در پیش‌بینی رضایت زناشویی زوجین. دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات اسلام و روان‌شناسی. ش ۶، دوره ۱۰. ص ۴۲-۲۷.
- سیار، ثریا؛ راهب، غنچه؛ اقلیما؛ مصطفی. (۱۳۹۰). مقایسه کارکرد خانواده در ازدواج‌های سنتی و مدرن در زنان متأهل شهر تهران. فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۷.
- سرای، حسن؛ اوجاقلو، سجاد. (۱۳۹۲). مطالعه نسلی تغییر ارزش ازدواج در ایران، مطالعه موردی: زنان شهر زنجان. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم/شماره چهارم
- حبیب پور گتایی، کرم؛ غفاری، غلامرضا. (۱۳۹۰). علل افزایش سن ازدواج دختران. زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، دوره ۹، شماره ۱، ص ۷-۳۴
- دلخوش، محمد تقی. (۱۳۹۲). بازخورد جوانان ایرانی به ازدواج: یافته‌های یک پیمایش ملی. روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسان ایرانی. سال نهم. شماره ۳۶. ۳۳۱-۳۵۰
- دلخوش، محمد تقی. (۱۳۸۶). ارزش‌های ازدواج در جوانان ایرانی. فصلنامه روان‌شناسان ایرانی. سال سوم شماره ۱۲. ص ۲۹۹-۳۰۹
- مهاجرانی، علی اصغر. (۱۳۸۹). تحول وضع زناشویی و تغییر الگوی سنی ازدواج در ایران. فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد، واحد شوشتر. سال چهارم. شماره یازدهم: ص ۴۱-۵۴
- نوابی نژاد، شکوه. (۱۳۸۰). مشاوره ازدواج و خانواده‌درمانی. انتشارات انجمن اولیا و مربیان
- نیلفروشان، پریسا؛ نویدی، علی؛ عابدی، احمد. (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس نگرش به ازدواج. روان پرستاری. دوره ۱، شماره ۱: ص ۳۵-۴۷
- هنرپروران، نازنین؛ تبریزی، مصطفی؛ نوابی نژاد، شکوه؛ شفیع آبادی، شفیع آبادی. (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش رویکرد هیجان مدار بر رضایت جنسی زوجین. اندیشه و رفتار. سال چهارم، شماره ۱۵

Argyle, M. (2001). *The Psychology of Happiness*. London. Routledge.

August, K. J. & Kelly, C. S., Markey, C. N. (2015). *Marriage, Romantic Relationships, and Health*

Rutgers University, Camden, NJ, USA .Available online. Encyclopedia of Mental Health (Second Edition) 2016, Pages 46–52

Barlow, Marcia. (2008). A guide to family Issues the marriage advantage. Publisher: united families international. Arizona. USA. www.unitedfamilies.org

Diener, E.D. & Seligman, M, E. P. (2004). Beyond money: Toward an economy of well-being. *Psychological Science in the Public Interest*. 5, 1-31.

Doherty. W. J., Galston, W. A., Glenn, N. D., Gottman, J., Markey, B., Markman, H. J., Nock, S., Wallerstein, J. (2011). Why marriage matters: Thirty conclusions from the social sciences. 3<sup>rd</sup> ed. Institute for American Values, New York. NY: 48 pages

Ducharme J K. & Kollar, M. M. (2012). Does the “marriage benefit” extend to same sex union? evidence from sample of married lesbian couples in Massachusetts. *Journal of homosexuality*, 59: 580- 591.

Fowers, Blaine J. (2000). Beyond The Myth of Marital Happiness. Publisher: Jossey-Bass; A Wiley Company, San Francisco.

Ghimire, Dirgha J. & Axinn William G. (2013). Marital Processes, arranged marriage, and contraception to limit fertility. *Demography*. 50(5):1663-1686.

Johanson, N. J, Backlund, E. Sorlie, P. D. & Loveless, C. A. (2000). Marital status and mortality: the national longitudinal mortality study. *Annals of epidemiology*, 10,224-238

Juvva, S., & Bhatti, R. (2006). Epigenetic Model of Marital Expectations. *Contemporary Family Therapy: An International Journal*, 28(1), 61-73.

Miller-Martinez, D. Seeman, T. Karlamangla, AS. Greendale, GA. Binkly, N. Crandall, C. J. (2014). Marital histories, marital support, and bone density: findings from the midlife in the United States Study. *Osteoporosis Int*. 25(4): 1425-6

Monin, J.K & Clark, Margaret S. (2011). Why do men benefit more from marriage than do women? Thinking more broadly about interpersonal processes that occur within and outside of marriage .*sex roles*. 65:320-326

Reed, Fred, w& McBroom. (1995). the Impact of Marriage on Fertility Intentions and Related Values. *International Journal of Sociology of the Family*, Vol.25:No.1; 91-98

